

The Relationship between the Economic Crisis and the Growth of Extreme Right Movements: The Case of Hungary

Reza NasiriHamed*

Ehsan JafariFar**

Abstract

Recently, some factors, especially economic crisis, have made it possible to criticize the policies of the ruling parties, making their policies deficiency and magnifying the current situation and chanting slogans about the unequal distribution of resources, indigenous people or the destruction of national resources. Right-wing parties have achieved remarkable success in elections by linking economic problems to foreigners, including political and economic institutions or immigrants, as well as government policy. The present article in a descriptive and analytical way, while paying attention to the role of economic crisis in the formation of far right in Hungary, believes that economic crisis in far right thinking is based on contexts beyond the economy and specifically is intensified by identical and cultural elements. In the other words, in the study and analysis of far-right, it should be noted that trends such as EU policy, including the imposition of economic austerity policies, guidelines on immigration and the implementation of specific policies by previous governments, are largely catalyzing and accelerating about the long term crisis. Therefore, some traces of fascist and monopolistic tendencies emerge in such currents, having nationalist origin, are extremely prone to become totalitarian and antagonistic currents. Using the Copenhagen School and in particular emphasizing the security of affairs in this approach, the current study aims to show how extreme right currents, including Hungary, draw a special situation of foreigners and immigrants to show various economic, social and cultural affairs as political issues.

Keywords: Jobbik Party, Economic Crisis, Europe, Far Right, Securitization.

Article Type: Research Article.

Citation: NasiriHamed, Reza & JafariFar, Ehsan (2021). The Relationship between the Economic Crisis and the Growth of Extreme Right Movements: The Case of Hungary, 4(1), 237-264.

* Assistant Professor of Political Science of Institute of Iranian History and Culture, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

(Corresponding Author), r.nasirihamed@tabrizu.ac.ir

** PhD Student in International Relations, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



International Political Economy Studies, 2021, Vol. 4, Issue 1, pp. 237-264.

Copyright © The Authors

Publisher: Razi University.

رابطه بحران اقتصادی و رشد حرکت‌های راست افراطی: مورد مجارستان

رضا نصیری حامد*

احسان جعفری فر**

چکیده

در دوران اخیر عواملی، به‌ویژه بحران‌های اقتصادی، به راست افراطی امکان داده که با انتقاد از برنامه‌های احزاب حاکم در قدرت سیاست آن‌ها را ناکارآمد نشان دهد و با بزرگ‌نمایی وخامت اوضاع کنونی و سردادن شعارهایی درباره توزیع نابرابر منابع به‌نفع مردم بومی یا نابودی منابع دولت سخن بگویند. احزاب راست‌گرا با پیوندزدن مشکلات اقتصادی به خارجی‌ها، اعم از نهادهای سیاسی و اقتصادی و یا مهاجران و نیز سیاست دولت‌ها، موفقیت‌های درخور توجهی را در انتخابات به‌دست آورده‌اند. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی، ضمن توجه به نقش بحران اقتصادی در قدرت‌یابی راست افراطی در مجارستان، بر آن است تا شکل‌گیری و خیزش راست افراطی را که در اصل زمینه‌هایی فراتر از اقتصاد دارد و ریشه آن به عوامل هویتی و فرهنگی بازمی‌گردد و بر اثر مسائل اقتصادی تشدید می‌شود بررسی کند. به‌عبارت‌دیگر، در تحلیل راست افراطی باید توجه داشت که روندهایی هم‌چون سیاست اتحادیه اروپا از جمله در تحمیل سیاست ریاضت اقتصادی، دستورالعمل‌هایی درباره مهاجران، و اعمال خط‌مشی‌های خاص از سوی دولت‌های پیشین عمدتاً در حکم تسریع‌کننده و وضعیت بحرانی درازمدت عمل کرده‌اند. در این‌جا است که رگه‌هایی از گرایش‌های فاشیستی و انحصارطلبانه در چنین جریان‌هایی بروز و ظهور می‌یابد که هرچند خاستگاهی ملی‌گرایانه دارند، به‌شدت مستعد تبدیل شدن به جریانی تمامیت‌خواه و ستیزه‌جویند. برای توضیح مدعای مقاله حاضر با استفاده از مکتب کپنهاگ و به‌ویژه تأکید بر امنیتی شدن امور در این‌ریافت تلاش می‌شود نشان داده شود که چگونه جریان‌های راست افراطی، از جمله در مجارستان، با ترسیم وضعیتی خاص از موقعیت خارجی‌ها و مهاجران، امور مختلف اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را سیاسی جلوه می‌دهد و از آن برای پیش‌برد اهداف خویش استفاده می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حزب جوییک، بحران اقتصادی، اروپا، راست افراطی، امنیتی شدن.

نوع مقاله: پژوهشی.

* رضا نصیری حامد: استادیار علوم سیاسی، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده

مسئول) r.nasirihamed@tabrizu.ac.ir

** دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

کشورهای عضو یورو عموماً تا قبل از سال ۲۰۰۷ م ثبات مالی داشتند. چشم‌انداز رشد برای کشورهای ضعیف‌تر اروپایی با جذب سرمایه‌فراوانی با نرخ بهره پایین به استقراض بیش‌تر آن‌ها و ایجاد حساب‌های تورمی در برخی از کشورهای عضو منجر شد. این کشورها فراتر از توانایی‌شان در بازپرداخت بدهی‌ها استقراض کردند و به تدریج به دیگر کشورهای حوزه یورو بده‌کار شدند. منابع قرض‌گرفته‌شده به‌جای آن‌که در بخش صادرات هزینه شوند، به بخش‌های غیرتجاری منتقل شدند. سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و مستغلات افزایش یافت و دولت‌ها این منابع را صرف مخارج خود کردند. نتیجه آن افزایش تقاضای داخلی و بالارفتن دست‌مزدها و قیمت‌ها بود. افزون‌برآن، رقابت‌پذیری این دسته از کشورهای ضعیف‌تر حوزه یورو به دلایلی هم‌چون ادغام چین و سایر اقتصادهای نوظهور در زنجیره تولید جهانی در مقایسه با سایر کشورهای جهان کاهش یافت.

بحران اقتصادی و مالی جهانی دولت‌های قاره اروپا را مجبور کرد تا از یک‌طرف برای مقابله با بحران و درجهت کاهش فشارهای ناشی از بدهی و کسری بودجه از سال ۲۰۱۰ یک سلسله سیاست ریاضت اقتصادی را در دستور کار خویش قرار دهند، اما مردمی که به رفاه اجتماعی و اقتصادی در این کشورها عادت کرده بودند، ریاضت اقتصادی را برنتافتند. درواقع، این تدابیر دولت‌ها در اروپا با الگوی سخاوت‌مندانه رفاه اجتماعی و اقتصادی، که اروپا در آن شهرت دارد، در تناقض بود و همین مسئله موجب اعتراضاتی در بسیاری از این کشورها شد. احزاب دست راستی با استفاده از طرح مسائلی همانند بحران مهاجرت، نابرابری اقتصادی، سرخوردگی از اتحادیه اروپا، و احیای هویت ملی توانستند در انتخابات ملی به موفقیت‌های درخور توجهی برسند. از مهم‌ترین این احزاب «حزب جویبک مجارستان» است که با رویکرد مهاجرستیزانه و پوپولیستی خود توانسته است قدرت را در این کشور کسب کند. این حزب خواستار برگزاری همه‌پرسی در مورد عضویت در اتحادیه اروپا و پایان ممنوعیت درباره موضوع‌های ممنوعه‌ای هم‌چون تلاش اسرائیل برای تسلط بر مجارستان شده است.

در این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی بدین سؤالی که رابطه بحران اقتصادی و رشد حرکت‌های راست افراطی در مجارستان چگونه بوده است. در پاسخ، این فرضیه مطرح شده است که بحران اقتصادی زمینه‌ساز تقویت و تشدید نارضایتی‌های عمومی از سیاست کلی دولت و اتحادیه اروپا از جمله در مورد پذیرش مهاجران و

ریاضت اقتصادی شده و همین موجب تقویت مبانی هویت‌طلبانه و ناسیونالیسم افراطی به نمایندگی از سوی حزب راست‌گرای جوییک و جلب نظر رأی‌دهندگان به آن شده است.

چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ (Copenhagen School) از جریان‌های فکری مهم در تبیین امنیت در ابعاد مختلف است. این مکتب، که با «باری بوزان» (Barry Gordon Buzan) و «اوله ویور» (Ole Wæver) شناخته می‌شود، بر آن است که امنیتی کردن را می‌توان نوع حادی از سیاسی کردن دانست. در واقع، هر مسئله عمومی را به شکل نظری می‌توان روی طیفی جای داد که از یک سو امور غیرسیاسی را دربر می‌گیرد که دولت با آن‌ها کاری ندارد و بنابراین موضوع بحث و تصمیم‌گیری همگانی نیز قرار نگرفته است تا سوی دیگر این طیف که در آن امور سیاسی‌ای قرار دارد که مشمول بخشی از سیاست‌گذاری همگانی است و مستلزم تصمیم‌گیری، تخصیص منابع از سوی دولت، یا به شکل نادرتر نیازمند گونه‌ای دیگر از اراده جمعی‌اند. در واقع اموری که به مثابه تهدید وجودی جلوه می‌کنند و در نتیجه به به‌کارگیری راه‌کارهای اضطراری و انجام اقدام‌هایی در بیرون از رویه‌های معمول نیاز دارند، در زمره موضوعات امنیتی به‌شمار می‌آیند که گاه مستلزم عدول از مقررات و قوانین مستقر و حاکم‌اند (Buzan and Hansen, 2009: 214). البته جایگاه هر موضوعی لزوماً همواره روی یک نقطه و موقعیت ثابت و قطعی نیست، بلکه با توجه به موقعیت هر مسئله‌ای می‌تواند روی بخش‌های مختلف یک طیف جای گیرد (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). این مکتب، که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت، با رد نظامی محوری در مطالعات امنیتی امنیت را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی تقسیم می‌کند. عامل تعیین‌کننده امنیت در این مکتب میزان رهایی از تهدید است و کشورها امنیت خود را براساس آن سنجش می‌کنند. مفهوم امنیتی کردن از کانونی‌ترین مفاهیم در مکتب کپنهاگ است و تعریف امنیت، به منزله کنش کلامی، مرکز ثقل این بحث است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶). بر این اساس، کنش گفتاری موفقیت‌آمیز تلفیقی از زبان و جامعه شامل چند عنصر است:

الف) موضوعات امنیت: چیزهایی که موجودیتشان در معرض تهدید انگاشته می‌شود و برای بقا ادعای مشروعی دارند؛

ب) بازیگران (کنش‌گران) امنیتی‌ساز: بازیگرانی که با اعلام در معرض تهدید بودن پدیده‌ای آن را به موضوعی امنیتی تبدیل می‌کنند. معمولاً این نقش را رهبران سیاسی، دیوان‌سالاری‌ها، حکومت‌ها، دلالان سیاسی، و گروه‌های فشار به‌اجرا می‌گذارند؛

ج) بازیگران (کنش‌گران) کارآمد: بازیگرانی که در فرایند امنیتی‌سازی تأثیر می‌گذارند. این بازیگران نه از موضوعات امنیت‌اند و نه جزو بازیگران امنیتی‌ساز که بخواهند موضوعی را امنیتی کنند، بلکه تأثیر چشم‌گیری در تصمیمات گرفته‌شده در حوزه امنیت دارند؛

د) مخاطب: بازیگرانی که حلقه تکمیلی امنیتی‌سازی محسوب می‌شوند و زمانی که فرایند امنیتی‌سازی یک پدیده به‌منزله موضوعی امنیتی را عموم آن‌ها پذیرفتند، آن‌گاه می‌توان گفت فرایند امنیتی‌سازی آن پدیده نهایی شده است و می‌توان پدیده مذکور را امنیتی‌شده تلقی کرد (کولایی و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۸: ۱۲۷).

به‌طور خاص و به‌منزله نمونه‌ای از آن‌چه مکتب کپنهاگ تصویر می‌کند، امنیتی‌شدن اقتصاد را می‌توان در نگرش برخی از جریان‌های اروپایی به مسئله مهاجران و پناهندگان ملاحظه کرد. به این معنا که از نظر ایشان منتفع‌شدن افراد بیگانه از مزایای رفاهی کشورهای میزبان امری ناعادلانه و بلکه امنیتی است که باید با آن مقابله کرد. حتی عمل خارجی‌هایی که در کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند و باعث وابسته‌شدن کشور می‌شوند می‌تواند موضوعی امنیتی باشد، زیرا نه فقط استقلال کشور را از آن می‌گیرد، بلکه می‌تواند به حوزه‌های دیگر نیز سرایت کند که نتیجه آن نیز جز نابودی کلیت کشور نخواهد بود. در این میان، کشورهای اروپای شرقی وضعیتی خاص داشته‌اند، چون ابتدا به امید رشد اقتصاد خود به گشودن درهای اقتصادشان روی آوردند، اما دیری نپایید که به استفاده از وام‌ها و کمک‌های خارجی نیازمند شدند.

اقتصاد و احزاب راست افراطی

موضوع امنیت اقتصادی مسائلی از قبیل دسترسی به منابع، سرمایه، پول، و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل‌قبول رفاه و قدرت دولت است. اقتصاد بین‌الملل باعث وابستگی متقابل می‌شود که هرچند از جهات مختلفی مثبت است، این تأثیرات آشکارا تهدیدکننده رژیم‌هایی است که درصددند از طریق خوداتکایی اقتصادی موقعیت خود را حفظ کنند. بنابراین واکنش این رژیم‌ها به چنین وضعیتی ممکن است عواقب و عوارض منفی

امنیتی در پی داشته باشد. نمونه کلاسیک و بارز این مورد کره شمالی است. رژیم اقتدارگرای کمونیستی این کشور در صورت قرارگرفتن در معرض فعالیت‌های اقتصاد لیبرال بین‌المللی امکان حیات نخواهد داشت و از این رو حکومت کره شمالی در تلاش برای افزایش مشروعیت داخلی خود در برابر این چالش به‌طور فزاینده‌ای برای حفظ خود به نوعی ملی‌گرایی تهاجمی و میهن‌پرستی افراطی متوسل شده است.

در مورد رابطه اقتصاد و امنیت باید به این فرض توجه داشت که امنیت یک کشور تحت تأثیر توان آن در دستیابی به رشد اقتصادی کافی است که آن را از جمله باید با استفاده از کمیت و کیفیت نیروهای مسلحی تأمین کند که برای حفظ منافع خود لازم می‌داند.

گرایش تدریجی به سوی احزاب افراطی از سوی رأی‌دهندگان اروپایی با نكوهش دولت‌های خود به واسطه انفعال در مقابل بحران به وجود آمده است. این روند فراگیر و عام نیست، اما آهنگ رشد آن در برخی از اعضای این اتحادیه روند روبه‌شتایی داشته است، به گونه‌ای که در تعداد درخور توجهی از این کشورها می‌توان شاهد پیدایش عناصری از بیگانه‌هراسی (Xenophobic)، مهاجرت‌ستیزی، اتحادیه (اروپا)‌گریزی، ملی‌گرایی افراطی، و حتی گاه نژادپرستانه (Racist) بود. کنار این ویژگی‌ها، این دسته از احزاب با انتقاد از انفعال دولت‌های خود در تن‌دادن به سیاست دیکته‌شده از سوی نهادهایی هم‌چون اتحادیه اروپا خواهان روی کارآمدن دولتی قوی و فعال‌اند (Mudde, 2000: 17 and Felix, 2017: 96). ویژگی‌های مذکور همانندی درخور توجهی با مؤلفه‌های فاشیسم دارد و از این رو به‌باور برخی از محققان، فاشیسم را نباید پدیده‌ای مختص دوران گذشته برشمرد. ممکن است اطلاق فاشیسم به جریان‌هایی که از سازوکارهای به‌ظاهر مسالمت‌آمیز انتخاباتی و رقابت پارلمانی بهره می‌گیرند سؤال برانگیز و انکارشدنی به‌نظر برسد، اما در این باره می‌توان به سابقه روی کارآمدن جریان‌هایی هم‌چون نازیسم و هیتلر ارجاع داد که آن‌ها نیز از سازوکارهای قانونی برای نیل به اهداف خود استفاده کرده بودند (Lowy, 2014). وجه شباهت مهم جنبش‌ها و احزاب دست راستی با فاشیسم را می‌توان در زمینه بروز آن‌ها در موقعیت ناشی از بحران برشمرد. این امر به‌ویژه در موقعیت ناشی از ضعف سنت‌های باثبات دموکراتیک و توسعه نسبی اقتصادی تشدید می‌شود.

به‌رغم وجود شباهت‌هایی بین احزاب راست افراطی در مناطق گوناگون جهان، هرکدام از مناطق و حتی کشورهای مختلف برخی ویژگی‌های خاص خود را نیز دارند. از این رو، برای نمونه احزاب ملی‌گرا در کشورهای شمالی اروپا مانند سوئد، دانمارک، فنلاند، و نروژ

تلاش دارند تا با انتقاد شدید از سیاست‌های مهاجرتی دولت‌های خود آرا و حمایت‌های عمومی را جلب کنند. به میزانی که آرای شهروندان به این احزاب افزایش یابد، آن‌ها خواهند توانست با تأکید بر ملی‌گرایی، رویکرد منفی و بدبینانه خود به سیاست اتحادیه اروپا و دولت‌های خود را تقویت کنند. آن‌ها اغلب دولت‌های خود را تحت فشار قرار داده‌اند که یا از اتحادیه خارج شوند یا همکاری خود در اتحادیه را کاهش دهند. در جنوب اروپا اوج‌گیری احزاب افراطی به مراتب چشم‌گیرتر بوده است. با افزایش آرای انتخاباتی جریان‌های راست و چپ افراطی در یونان، فرانسه، و ایتالیا، که جملگی به روندهای کلی هم‌گرایی اروپایی نگرشی انتقادی دارند، این امکان قوت گرفته است که در صورت تداوم بحران اقتصادی اقبال شهروندان اروپایی به این احزاب فراگیرتر شود (میرفخرایی، ۱۳۹۴).

بنابراین رکود اقتصادی و افزایش بی‌کاری و فقر در اتحادیه اروپا از عوامل مهمی است که به تقویت گرایش به احزاب افراطی، به‌ویژه با شاخصه ضد اتحادیه‌ای، منجر شده است. سست‌شدن پایه‌های دموکراسی در مجارستان و قدرت‌گرفتن احزاب پوپولیستی در یونان، هلند، فنلاند، و فرانسه از نشانه‌های این روند است. درحقیقت، ناکارآمدی دولت‌ها در مدیریت بحران مالی، که عموماً با کاهش هزینه‌ها، افزایش مالیات‌ها، و رشد بی‌کاری همراه بوده است، زمینه‌های لازم برای سوق‌دادن رأی‌دهندگان اروپایی به سمت جریان‌های سیاسی افراطی را فراهم کرده است. چنان‌که آثار این گرایش را می‌توان در تقویت مهاجرت‌ستیزی، بیگانه‌هراسی، و ضدیت با هم‌گرایی اروپایی و ملی‌گرایی افراطی مشاهده کرد.

در دوران قبل از شکل‌گیری نهادهای مهم حقوق بین‌الملل، به‌ویژه سازمان ملل متحد، تدابیر تنبیهی درمورد کشورهایی هم‌چون آلمان، چه در قالب تصمیمات جامعه ملل یا کشورهای غالب، جنگ جهانی نخست از عوامل مؤثر در بروز حس تحقیر و در نتیجه تکوین ملی‌گرایی شدید در بین آن‌ها بود. تأسیس سازمان ملل و پس‌از آن تشکیل نهادهای منطقه‌ای، به‌ویژه اتحادیه اروپا، نویدی بر هم‌گرایی بین واحدهای سیاسی بود. بروز تغییراتی در نظام جهانی و آزادشدن کشورهای همانند مجارستان از زیر سلطه بلوک شرق بر اثر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث از بین رفتن تقسیم‌بندی‌های پیشین شده است و کشورهای بسیاری به اتحادیه اروپا ملحق شدند. با این حال، تبعیض مذکور این بار به‌ویژه در جریان بحران‌های متعدد نوظهور از سوی همین نهاد حقوقی و اقتصادی نیز احساس شده و در ظهور جریان‌های افراطی مؤثر واقع شده است. البته به‌نظر می‌رسد

بیش از کلیت اتحادیه اروپا این قدرت‌یابی و نفوذ تعیین‌کننده قدرت‌های بزرگ اقتصادی اروپایی است که کشورهای کوچک‌تر را دچار احساس تبعیض کرده است.

اقتصاد امنیتی شده

مکتب کپنهاگ مسئله امنیتی شدن را بررسی می‌کند. اقتصاد امنیتی شده بدان معناست که هر آن چه بتواند مانع رشد اقتصادی تلقی شود، در کانون توجه قرار می‌گیرد. این روند به‌طور خاص در گفتار احزاب راست افراطی عبارت است از مخالفت با مهاجران، بیگانگان، و اتحادیه اروپا.

اوضاع بحرانی و نابه‌سامان و ناامنی، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، موجب سرازیر شدن سیل مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی و افزایش پناهندگی به کشورهای اروپایی شد. پناهجویان به‌سوی کشورهای اروپایی باثبات و دارای وضعیت اقتصادی بهتر گسیل شدند.^۱ طبق آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در سال ۲۰۱۴، آلمان از نظر شمار پناهجو در دنیا اول است، به‌طوری‌که حدود ۱۷۳۱۰۰ نفر از این کشور درخواست پناهندگی کرده‌اند. این رقم در بریتانیا ۳۱۳۰۰ نفر بوده که بیش‌ترینشان (به‌ترتیب) از اریتره، پاکستان، و سوریه بوده‌اند (جعفری‌فر و مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۳).

نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که جوامع مهاجر جدید بیش‌تر در جست‌وجوی شغل و پناهگاهی برای درامان‌ماندن از ظلم سیاسی و فرصت‌زدگی بهتر در مقایسه با وطن خود به اروپا آمدند. آن‌ها پس از جنگ جهانی دوم از مستعمره‌های پیشین و از جمله از ترکیه به اروپا مهاجرت کردند. ابتدا اقامت آنان در اتحادیه اروپا موقت تلقی می‌شد، زیرا آن‌ها

^۱ البته کشورهای هدف و اصلی که در جایگاه مقصد مهاجران انتخاب شده‌اند، اغلب شامل کشورهای اروپای غربی بوده‌اند. اما مفهوم مهاجرت و واکنش نسبت به مهاجران در معنای عام آن شامل واکنش به بیگانه و غریبه موردنظر احزاب دست‌راستی، که به‌نوعی در هم‌زیستی با مردم این قبیل کشورها و بومی و هم‌نژاد ایشان به‌شمار نمی‌آید، می‌تواند اطلاق شود و آن‌ها را دربرگیرد. به‌ویژه زمانی که خلوص نژادی، قومیتی، و یا فرهنگی در برنامه این‌گونه احزاب برجسته شود. ضمن آن‌که در خود کشورهای غربی نیز، آن‌گونه‌که پژوهش‌گرانی هم‌چون «میشل لوی» نشان داده‌اند، رشد‌گرایش راست افراطی در مناطق روستایی و جاهایی که مهاجری به خود ندیده است یا لاقلاً این موضع در آن‌جا مسئله خاصی نبوده است، نشان می‌دهد بیش‌تر این تصویر بر ساخته از مهاجران است که به افکار و جهت‌گیری‌های سیاسی آن‌ها سمت‌وسو داده است.

اغلب نیروی کار مورد نیاز صنعت در حال رشد اروپا محسوب می‌شدند، اما اقامت موقت آنان در خلال بحران اقتصادی جهانی در دهه ۱۹۷۰ میلادی به درازا انجامیده و با تصمیم ایشان به اقامت دائمی، نسل‌های متوالی از خانواده‌های مسلمانان نیز شکل گرفت. آنان به دلایل بسیاری غرب را خانه جدید خویش انتخاب کردند. به مرور با تغییراتی، از جمله توجه و درعین حال حساسیت روزافزون جهانی به اسلام، مسئله مهاجران مسلمان نیز به طور خاص تری مورد توجه قرار گرفت (اکبری کریم‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳).

بحران مالی و اقتصادی اروپا در ۲۰۰۸ با عوارض و پی‌آمدهای اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی به هم پیوسته‌ای همراه بوده است. در اولین و شاید مهم‌ترین پی‌آمد بلافصل این بحران باید به وجود «شکاف» در داخل و میان اعضای اتحادیه اروپا اشاره کرد. در داخل اعضای بحران‌زده مسئله این است که کدام طبقات اجتماعی و براساس چه سنجه مالیاتی باید بار بدهی دولت‌ها را به دوش بکشند و مالیات بیش‌تری را از محل درآمدهای خود به خزانه دولت واریز کنند؟ آیا افزایش مالیاتی باید شامل تمامی طبقات اجتماعی شود یا فقط بخش کوچکی از شهروندان، یعنی قشر ثروت‌مند جامعه، باید پذیرای این بار اضافی باشند؟ تشدید این فشارها و مطالبات در قالب اعمال انواع رژیم‌های ریاضت اقتصادی با اعتراضات گسترده شهروندان اروپایی مواجه شده است. منتقدان رژیم‌های ریاضتی بر این باورند که اعمال چنین سیاستی، که مورد تأکید نئولیبرال‌هاست، الزاماً رشد اقتصادی را در پی نخواهد داشت. براساس گزارش منتشر شده سال ۲۰۱۶ صندوق بین‌المللی پول، یک درصد کاهش هزینه‌های عمومی ۱/۵ درصد آهنگ رشد اقتصادی را کندتر خواهد کرد، اما شکاف میان اعضای اتحادیه اروپا عمیق‌تر و مهم‌تر از شکاف داخلی است. در اتحادیه اروپا در یک سو کشورهای بحران‌زده و بده‌کار قرار دارند که معتقدند از همان ابتدای راه‌اندازی یورو این پول در خدمت اقتصادهای پیشرفته اروپایی از جمله آلمان برای توسعه صادرات خود به ضرر کشورهای جنوب بوده است و بنابراین این کشورها به جای اعمال فشارهای یک‌طرفه بر اعضای مقروض با هدف اجرای رژیم‌های ریاضتی بهتر است خود با اعطای وام و کمک‌های مالی بیش‌تر به این دسته از کشورها در رفع بحران مالی و اقتصادی کنونی بکوشند (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ۲۱۵). در واقع، تصور مذکور بر مبنای احساس تبعیض از سوی کشورهای کم‌تر پیشرفته اروپایی در مقایسه با کشورهای رأس هرم این اتحادیه شکل گرفته است. در این وضعیت، افزون‌بر احساس نابرابری، افراد و جریان‌های سیاسی ضمن مقایسه وضعیت خود با وضعیت قبل از الحاق به اتحادیه اروپا، در مورد مزایا و بلکه فلسفه وجودی این هم‌گرایی دچار تردید می‌شوند. به‌طور مشخص، ظهور و تقویت جریان‌های راست

افراطی و حتی در مواردی چپ افراطی، که جملگی به هم‌گرایی اروپا رویکرد انتقادی داشته‌اند، از نتایج چنین نگاهی بوده است که البته زمینه‌ها و بستری درازمدت دارد، اما در کوتاه‌مدت و میان‌مدت با بحران‌های اقتصادی نمود بیش‌تری یافته است. بدین ترتیب، حامیان و رأی‌دهندگان به این دسته از احزاب به نکوهش دولت‌های خود به دلیل انفعال در مقابل روندهای حاکم بر این اتحادیه روی آورده‌اند. این روند رویه غالبی در کل اتحادیه اروپا نیست، اما سرعت شکل‌گیری و شتاب آن درخور توجه بوده است. در نتیجه روند مذکور، گرایش‌های ملی‌گرایانه مذکور به‌ویژه در حوزه‌هایی هم‌چون سلامت، آموزش، و مهاجرت منتقد الگوهای عام دیکته‌شده اتحادیه اروپا بوده‌اند (همان: ۲۱۵-۲۱۶).

سریع‌ترین و کاراترین روش سنتی بازبایی رقابت‌پذیری خارجی برای یک کشور کاستن از ارزش پول ملی خود در برابر ارزهای خارجی است. درحالی‌که در اتحادیه پولی کشورهای عضو قادر به کاستن از ارزش پول خود در برابر شرکای تجاری‌شان نباشند، به اصلاحات در بازار نیروی کار نیازمندند. به این ترتیب، این کشورها به مقابله با اتحادیه‌های کارگری مجبور خواهند بود، زیرا سطح دست‌مزد اسمی در سطح بنگاه‌ها باید با بهره‌وری کارگران متناسب باشد و در اغلب موارد موجب کاستن از دست‌مزدهای اسمی خواهد شد که آشوب‌های کارگران و اتحادیه‌ها را به دنبال دارد. پایین آمدن ارزش پول کشور و از دست رفتن سرمایه کشور به دلیل کاهش تولید داخلی یا احاطه بازار با شرکت‌های خارجی سبب شده است که این کشورها با مشکلات اقتصادی و رکود مواجه شوند. برای مثال، بازکردن درهای اقتصاد مجارستان به روی شرکت‌های خارجی سبب شد که فقط در سیستم‌های تولید بین‌المللی ۴۰ درصد شرکت‌های داخلی بتوانند درگیر شوند و ۶۰ درصد سهم از آن شرکت‌های خارجی شد. طبق آمار، تقریباً ۴۵ درصد از دارایی‌های شرکت‌های مجارستانی از جانب سرمایه‌گذاران خارجی کنترل می‌شود و تعداد ۲۵۰۰۰ شرکت خارجی در مجارستان ثبت شده است. بدین ترتیب، با رکود و فلج‌شدن پویایی اقتصاد در این کشورها نارضایتی عمومی بالا می‌گیرد.^۱ از نمودهای بارز این نارضایتی موضع‌گیری درقبال دیگری و غیر است. با استفاده از مکتب کپنهاگ می‌توان نشان داد که چگونه یک مسئله، فرد، و حتی شرکت سرمایه‌گذار موضوعی امنیتی و تهدید قلمداد می‌شود. در نزد جریان‌های راست افراطی با تأکید بر مؤلفه‌های ملی‌گرایانه، خارجی‌ها از جمله عناصر تهدید به‌ویژه در وضعیت

^۱ برای توضیح بیش‌تر بنگرید به:

ناشی از بحران اقتصادی به‌شمار می‌آیند و بنابراین هدف بسیاری از موضع‌گیری‌های ایشان قرار می‌گیرند.

نگرانی‌های اقتصادی مجارستانی‌ها

مجارستان از کشورهای اصلی واقع در مسیر پناه‌جویانی بوده که با عبور از مرز صربستان با این کشور عازم اتریش می‌شدند تا برای کسب پناهندگی و اقامت به آلمان بروند. در سپتامبر ۲۰۱۵، دولت مجارستان به‌منظور جلوگیری از ورود پناه‌جویان به احداث حصار در مرز خود با صربستان مبادرت کرد. پس از بسته‌شدن مرز، چند هزار پناه‌جو عازم مرز صربستان و کرواسی شدند و دولت کرواسی پس از پذیرش شماری از آنان بقیه را به مرز مجارستان فرستاد و این افراد به مرز اتریش اعزام شدند (BBC, 2015a).

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد افکار عمومی ممکن است به تقویت راست افراطی مجارستان کمک کند. در این نظرسنجی‌ها، پرسش‌هایی هم‌چون تأثیر داشتن تعداد درخور توجهی از مردم با نژادهای مختلف، پی‌آمدهای حضور بیگانگان، و بحران پناهندگان در کشورهای اروپا و تأثیر آن‌ها در اقتصاد مطرح شد. در جدول ۱، ۲، و ۳ نتایج این نظرسنجی‌ها آمده است.

جدول ۱. نظرسنجی‌ها درباره افزایش تنوع نژادی در مجارستان

نام کشور	جای بهتری خواهد شد	تفاوتی نمی‌کند	جای بدتری برای زندگی می‌شود
یونان	10%	27%	63%
ایتالیا	18	25	53
مجارستان	17	39	41
لهستان	14	33	40
هلند	17	46	36
آلمان	26	40	31
انگلستان	33	34	31
سوئد	36	38	26
فرانسه	26	48	24
اسپانیا	31	45	22

عده معدودی می‌گویند که افزایش تنوع کشور خود را به‌جای بهتر برای زندگی تبدیل می‌کند (PEW 2016a).

از پی‌آمدهای منفی احتمالی حضور پناهندگان این‌که اروپایی‌ها عموماً افزایش تنوع را بهتر شدن کشورشان نمی‌بینند. در بررسی برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تعدادی اظهار داشته‌اند که حضور عده بیشتری از مردم با نژادهای گوناگون باعث می‌شود کشورشان به مکانی بهتر برای زندگی تبدیل شود؛ اما در دو کشور یونان و ایتالیا بیش از نیمی از مردم گفته‌اند که افزایش تنوع کشور را به مکانی بدتر برای زندگی تبدیل می‌کند. در این میان، مجارستان با بیش از ۴۰ درصد در جایگاه سوم قرار دارد (PEW 2016).

جدول ۲. نظرسنجی‌ها درباره‌ی آمدهای اقتصادی بحران پناهندگی

کشور	در ارتکاب جرم پناهندگان در مقایسه با سایر گروه‌ها در کشور ما بیش تر مقصرند	پناهندگان مسئول بار کشورند، زیرا آن‌ها مشاغل و مزایای اجتماعی ما را می‌گیرند	پناهندگان احتمال اقدام تروریستی در کشور را افزایش می‌دهند
مجارستان	43%	82%	76%
لهستان	26	75	71
هلند	--	44	61
آلمان	35	31	61
ایتالیا	47	65	60
سوئد	46	32	57
یونان	30	72	55
انگلستان	28	46	52
فرانسه	24	53	46
اسپانیا	13	40	40
کل	30	50	59

بسیاری از اروپایی‌ها نگران امنیت و پی‌آمدهای اقتصادی بحران پناهندگان‌اند (PEW, 2016).

در نظرسنجی بالا مردم مجارستان در مقایسه با بسیاری از کشورها با نگاه منفی‌تری به ارتکاب جرم و اقدامات تروریستی و هم‌چنین کسب مشاغل به‌دست مهاجران می‌نگرند. در نظرسنجی دیگر نیز درباره‌ی اقتصاد، امنیت، و بحران پناهندگی سؤالاتی پرسیده شده است. طبق نتایج بسیاری نگران تأثیرات اقتصادی‌اند و پناهندگان را مانع شغل و مزایای اجتماعی می‌دانند. مجارستان، لهستان، یونان، ایتالیا، و فرانسه بزرگ‌ترین کشورهای نگران‌اند. ترس از ارتباط پناهندگان و جرم و جنایت فراگیر نیست، اگرچه نزدیک به نیمی در ایتالیا و سوئد می‌گویند پناهندگان را بیش تر برای جرم و جنایت سرزنش می‌کنند.

جدول ۳. نظرسنجی‌ها درباره تأثیرات اقتصادی حضور مهاجران

نام کشور	به دلیل استعداد و اشتغال کشور ما را قوی می‌کنند	کاری پرهزینه است، زیرا آن‌ها مشاغل و مزایای اجتماعی ما را می‌گیرند
مجارستان	9%	82%
لهستان	10	75
یونان	9	72
ایتالیا	21	65
فرانسه	39	53
انگلستان	42	46
هلند	43	44
اسپانیا	50	40
سوئد	62	32
آلمان	59	31
متوسط	41	50

بسیاری می‌گویند پناهندگان تأثیر منفی اقتصادی خواهند داشت (PEW, 2016). در نظرسنجی بالا از پرسش‌شوندگان سؤال شد که آیا پناهندگی در اقتصاد تأثیر منفی خواهد داشت؟ ۸۲ درصد مردم در مجارستان معتقد بودند که پناهندگان به‌علت گرفتن فرصت شغلی و منافع اجتماعی تأثیر منفی دارند. در حالی که سوئدی‌ها و آلمانی‌ها معتقدند که حضور پناهندگان تأثیر بسیار مثبتی در اقتصاد خواهد داشت. نیروی کار بعد از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عمدتاً ترک‌ها، الجزایری‌ها، مراکشی‌ها، تونسی‌ها، و پاکستانی‌ها بودند. مهاجران از کشورهای گوناگونی به اتحادیه اروپا وارد می‌شوند، اما اکثریت زیادی از مهاجران غیرغربی فقط از این پنج کشور وارد می‌شوند و اصلی‌ترین کشورهای مبدأ مهاجران به اروپا طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بودند. فقر و بالابودن نرخ بی‌کاری در کشورهای مبدأ و تقاضای زیاد برای نیروی کار با مهارت پایین عامل اصلی مهاجرت بود (Groenewold, et al. 2016: 2).

تلقى اولیه دولت‌های اروپایی از نقش این مهاجران عمدتاً مسلمان نیروی کاری بود که بعد از مدتی به سرزمین‌های خود بازخواهند گشت، اما چنین امری اتفاق نیفتاد و مسلمانان در کشورهای اروپایی ماندند. طبق اعلام گزارش‌ها، در میان کشورهای اروپایی مجارستان بیش‌ترین آمار مربوط به بیگانه‌ستیزی را به خود اختصاص داده است. اندره سیک (Endre Sik)، پژوهش‌گر مؤسسه تارکی (Tarki Institution) در مجارستان، می‌نویسد: «از سال ۱۹۹۲ بیگانه‌ستیزی را دنبال می‌کنیم. نحوه شکل‌گیری آن بدین گونه است: در آغاز رشد خیلی کندی داشت. در سال ۲۰۱۰ رشد سریعی داشت، و در سال ۲۰۱۵ و آغاز سال ۲۰۱۶ به اوج خود رسید» (Euronews, 2016b). در واقع، رشد بیگانه‌ستیزی در مجارستان با به‌قدرت‌رسیدن ویکتور اوربان (Victor Orban) و راه‌یافتن حزب راست افراطی جویبک به پارلمان افزایش یافت. وی، در مقام نخست‌وزیر مجارستان، از سال ۲۰۱۵ خود را «مدافع اروپا علیه انبوه مهاجران» توصیف کرده است (Grim Feinberg, 2016) و بارها در مواضع خود درباره تغییر ترکیب اروپا بر اثر حضور مهاجران، به‌ویژه به‌هم‌خوردن درصد بین مسیحیان و مسلمانان در کشورهای اروپایی، هشدار داده است. طرح چنین مسائلی می‌تواند بیش از پیش به امنیتی شدن وضعیت مسلمانان منجر شود، مخصوصاً که ممکن است وی همانند اغلب هم‌فکران خود منتقد سیاست اتحادیه اروپا در این زمینه شده باشد و رویکرد مقابله‌جویانه با مسلمانان را شدت بخشد.

حزب جویبک مجارستان

جویبک (جنبش برای مجارستانی بهتر)^۱ را گابور ونا (Gabor Vona) در سال ۲۰۰۳ تأسیس کرد. ابتدا جویبک گروه مسیحی محافظه‌کار در دانشگاه الیت (Elte) در بوداپست شناخته شد. با این حال، جویبک و جنبش‌های افراط‌گرا در اوایل بسیاری را که قبل از جنگ جهانی دوم عضو حزب نازی هیتلر بودند، متحد کرد. جویبک مواضع خصمانه‌ای درباره یهودیان، کولی‌ها، و کسانی که آن‌ها را منحرفان جنسی می‌داند، اتخاذ کرده و از این نظر دیدگاهی مشابه نازی‌ها داشته است. هم‌چنین در مواضع آن اهداف جدیدتری از بوسپالیسم وجود دارد. گابور ونا، در جایگاه فردی کاریزماتیک که خود را مدافع سنت‌های مجارستان و قلمرو آن در برابر خارجی‌ها

¹ Jobbik (Movement for a Better Hungary/ Jobboldali Ifjúsági Közösség).

معرفی می‌کرد، در انتخابات سال ۲۰۰۶ با استقبال ناچیزی روبه‌رو شد و فقط ۲/۲ درصد رأی آورد. یهودستیزی آشکار جویبیک خصلت خاص و البته تکان‌دهنده آن است تا جایی که شعارهای نژادپرستانه این حزب تداعی‌کننده اسطوره یهودستیزی نازی‌ها برشمرده شده است. آن‌ها به طرز ماهرانه‌ای شایعات در مورد یهودیان و نفرت از اسرائیل را با نگرانی‌های اقتصادی پس از بحران مالی مرتبط کرده‌اند. آن‌ها با القای ترس از اقتصاد «بین‌المللی» (برای مثال یهودی) و عامل نابودی بانک‌داران مجارستانی ادعا می‌کنند که خارجی‌ها زمین خریداری می‌کنند و اسرائیل مجارستان را به استعمار کشیده است. اظهارات یهودستیزانه و نژادپرستانه بارها و بارها به طور گسترده‌ای در رسانه‌های مجارستان گزارش شده است (Humanrightsfirst, 2015).

حزب جویبیک نخستین بار در سال ۲۰۱۰ وارد مجلس شد و با سیر صعودی خود به جایی رسید که از سال ۲۰۱۰ جایگاه سوم را بین احزاب مجلس کسب کرد. پس از انتخابات مجلس مجارستان در ۸ آوریل ۲۰۱۸ نیز به دومین حزب بزرگ مخالف در مجارستان تبدیل شده است. این حزب خواستار خروج مجارستان از اتحادیه اروپاست. حزب جویبیک در حوزه اقتصاد نیز سیاست پیچیده‌ای دارد و ترکیبی از سیاست حمایت‌گرانه و اقتصاد دولتی و حمایت از مشاغل کوچک را دنبال می‌کند و با فعالیت شرکت‌های چندملیتی مخالف است.

پژوهش‌گران به طور خاص دو عامل را علت افزایش بیگانه‌ستیزی می‌دانند: نخست سنت‌های ملی و دیگر سیاست‌های حاکم. از سوی دیگر، رسیدن انبوه پناهجویان به مرزهای مجارستان در سال ۲۰۱۵ به احساسات ضد مهاجرت در این کشور افزود. مطالعات مرکز تحقیقاتی پیو هم‌چنین نشان می‌دهد ۸۲ درصد مجارها گمان می‌کنند که پناهجویان تأثیر منفی در اقتصاد کشورشان داشته‌اند (Euronews, 2016b). در سال ۲۰۱۵ دولت مجارستان بیلبوردهایی را با مضامین ضد مهاجرت در شهرهای گوناگون نصب کرد که در برخی از آن‌ها نوشته شده بود: «اگر به مجارستان بیایید، نمی‌توانید کار مجارها را از آن‌ها بگیرید». چنین تعبیری از سیاستی نشان دارد که براساس نگاهی امنیتی به مسئله مهاجرت، مرزهای شدیدی بین اهالی مجارستان و مهاجران در جایگاه افرادی نه فقط بیگانه بلکه دشمن ترسیم می‌کند که می‌توان آن را شدیدترین نوع مرزبندی بین خودی و غیرخودی برشمرد.

چالش انتخاب نوع نظام اقتصادی و سیاست مناسب در خصوص اتخاذ راه‌کار مناسب در دوران جدید از موضوعاتی بوده که حزب جویبیک با نقد سیاست دولت‌های قبل اهتمام خاصی بدان نشان داده است؛ از آن جمله نقد سیاست نئولیبرال و درمقابل ضمن توجه

به اقشار پایین و از جمله کارگران تلاش در جهت ایجاد و پیکربندی طبقه متوسط (Embourgeoisement) ملی و برآمده از شرایط بومی کشور جزو دغدغه‌های این حزب بوده است (Szombati, 2018: 11-12). البته، بر اثر توجه و گرایش اقشار کم‌تر برخوردار جامعه به احزاب سوسیالیستی، حزب جویبک نیز تمایل نشان داد که به جای تعبیر بورژوازی یا طبقه متوسط از مفهوم «مردم» (People) استفاده کند. مدل و الگوی به‌کار گرفته شده این حزب، به‌ویژه در دوران زمام‌داری ویکتور اوربان، شکلی از دولت مداخله‌گر و مقتدر بوده است که سیاست کلی ائتلاف بین‌طبقه‌ای (Cross-Class Coalition) را در دستور کار قرار داده بود. از این منظر، تلاش برای هم‌سان‌کردن و سازگاری منافع توده مردم با نخبگان و نیز طبقه متوسط و خرده‌بورژوازی به‌مثابه غایت موردنظر دولت مجارستان تلقی می‌شد تا بتواند به اجماع و وفاق مناسبی در بین جریان‌های غالب اجتماعی و نمایندگان آن‌ها نائل شود. دست‌یابی بدین هدف نمی‌توانست به‌راحتی میسر شود. بنابراین، برای تحققش به رادیکال‌تر کردن سیاست و خط‌مشی‌های اتخاذشده نیازمند بود.^۱

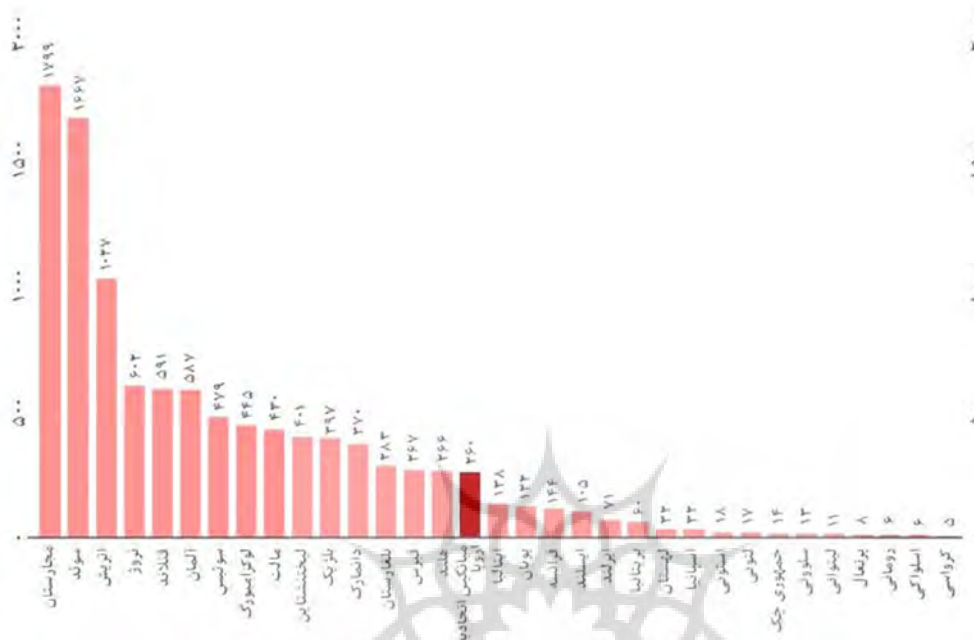
بیگانه‌ستیزی حزب جویبک

احزاب و جنبش‌های راست افراطی معمولاً از مشکلات و معضلات اقتصادی برای پیش‌برد اهداف و موفقیت‌های خود بهره می‌گیرند و در تثبیت و نهادینه‌کردن ایده‌هایشان سعی دارند. راست افراطی از سه طریق می‌کوشد از رکود اقتصادی و بحران توزیع منابع در راستای تثبیت گفتمان خود گام بردارد: الف) بحران‌های اقتصادی به راست افراطی این اجازه را می‌دهد که برنامه‌های احزاب حاکم در قدرت را ناکارآمد و عامل تشدید و خامت اوضاع کنونی توصیف کند؛ ب) راست افراطی با دست‌کشیدن از شعارهای اقتصادی نئولیبرالی تثبیت دولت رفاه با گرایش‌های سوسیالیستی را خواستار است؛ ج) و در نهایت این‌که راست افراطی از توزیع نابرابر منابع به‌نفع مردم بومی انتقاد کرده است و حضور پرتعداد مهاجران را عامل مهمی در^۱ ایجاد وفاق و سازگاری بین منافع اقشار گوناگون از چالش‌های دائمی دولت‌ها به‌ویژه در دوران اخیر است تاجایی‌که یورگن هابرماس از آن با عنوان «بحران مشروعیت دولت» نام برده است. مطابق با این دیدگاه، دولت‌ها ازسویی باید سیاست تأمین اقشار ضعیف را اعمال کنند و ازسوی دیگر کاری نکنند که انگیزه‌های طبقات بالاتر برای سرمایه‌گذاری و کسب سود کاهش یابد. حفظ موازنه بین این دو دیدگاه ظرافت‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد.

این راه‌برد می‌داند. اما بروز بحران‌های اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی باعث اقامت دائمی مهاجران در کشورهای میزبان در اروپا شد. هر دو گروه شهروندان بومی و مهاجران برای تصاحب مشاغل محدود با هم رقابت داشتند (Bjorgo, 1993: 2-3).

تأثیر بحران اقتصادی در کشورهای شرق اروپا به لحاظ آسیب‌پذیری بیش‌تر این کشورها در مقایسه با اروپای غربی درخور توجه‌تر است. اهمیت این مسئله بدان حد بود که حتی کشورهای اروپای غربی از گسترش اتحادیه اروپا به شرق ابراز نگرانی می‌کردند. نقطه شروع برای موقعیت حزب جویبک ایجاد این تصور بود که نخبگان سیاسی بیست سال گذشته را صرف خدمت به منافع خارجی‌ها کرده‌اند که این روند به حفاظت از منافع ملی منجر نمی‌شود. بدین ترتیب، حتی می‌توان از آموزه‌های مکتب کپنهاگ فراتر رفت و نشان داد که چگونه تمایز شدید بین هویت خودی و بیگانه در نحوه شکل‌دهی به هویت گروهی یا به تعبیری برساختن هویت، نه فقط در عرصه بین‌المللی بلکه در داخل جامعه، نقش مهمی ایفا می‌کند. از قضا، بسیاری از جریان‌های راست افراطی با محکوم کردن مواضع دولت‌مردان گذشته سعی دارند تا نظر توده‌ها را به خود جلب کنند و دست بالا در عرصه سیاسی داشته باشند. حزب جویبک نیز برای اعتراض بارها و بارها از یک طرح برای مذاکره مجدد بدهی‌های دولت صحبت می‌کند و اعلام می‌دارد که در درجه اول باید تکلیف شرکت‌های چندملیتی در مجارستان روشن شود و حتی به دنبال اعمال نفوذ در مناطق خارج از مرزهای مجارستان است که در آن مجارها زندگی می‌کنند.

در واقع، حزب جویبک مجارستان، در جایگاه حزب راست افراطی، از موج نارضایتی مردم در جهت کسب آرا در انتخابات استفاده کرد. این حزب با محکوم کردن سیاست‌های دولت سعی کرد که خود را مدافع منافع مردم نشان دهد و با سرمایه‌گذاری خارجی مخالفت کند. این حزب مخالف بازار آزاد اروپایی و گشودن درها به روی اروپاست و معتقد است چنین سیاستی سبب شده است که اقتصاد مجارستان دچار مشکل شود. آلمان در سال ۲۰۱۵ بیش‌ترین رقم درخواست پناهندگی را داشت، اما اگر تناسب با جمعیت کشور را مبنای قرار دهیم، مجارستان با وجود مسدود کردن مرزهای خود با کرواسی در ماه اکتبر، با هدف متوقف کردن ورود مهاجران، بیش‌ترین تعداد درخواست پناهندگی را ثبت کرده است. در سال ۲۰۱۵ به نسبت هر صد هزار نفر جمعیت این کشور حدود ۱۸۰۰ پناه‌جو در مجارستان تقاضای پناهندگی داده‌اند (BBC, 2016).



نمودار ۱. تقاضای پناهجویی درازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بومی مجارستان، ۲۰۱۵

جویبک هم‌چنین طرف‌دار کرملین است و شواهد نشان می‌دهد که این حمایت از جانب دولت راست‌گرای مسکو انجام می‌شود. راست‌های مجارستان چندین بار به روسیه سفر کرده‌اند (Shekhovtsov, 2014). این نزدیکی می‌تواند در راستای پیروی از سیاست کرملین برای تضعیف اتحادیه اروپا و نیز اقدامات و رخداد‌های کشورهای اروپایی، که موضعی ضد روسی دارند، ارزیابی شود. از سوی دیگر از جانب روسیه نیز به چنین جریان‌هایی تمایل دیده می‌شود، به‌ویژه آرا و اندیشه الکساندر دوگین (Alexander Dugin)، الهام‌بخش و طراح آن، که تلاش داشته است تا ناسیونالیسم روسی را به جریان‌های مختلفی در مناطق دیگر پیوند بزند (Laruelle, 2008: 107-108). در این بین، محور مهمی که در ذیل بیگانه‌ستیزی حزب جویبک و جریان راست افراطی مجارستان باید بدان توجه کرد، گسترده‌شدن دامنه دگرسازی است که معضلات و مشکلات اقتصادی را به دست‌آویزی برای طرح مسائل فرهنگی، هویتی، و حتی تاریخی تبدیل کرده است. برای نمونه، یکی از تجلیات این قضیه در پیوند با اندیشه دوگین در روسیه تلاش برای احیای اوراسیاگرایی نوین (Neo-Eurasianism) است که بر

اساس آن پیوندهای مبتنی بر اتحاد تورانی (Turanian) مورد توجه این جریان قرار گرفته است و در آن بر پیوند یافتن مجارستان با جمهوری‌های آسیای میانه، روسیه، ترکیه، و ایران تأکید می‌شود.

برای مثال «ویکتور اوربان» در ۲۰۱۴ بیان کرد که مجارستان باید به سوی کشورهای اوراسیا گرایش بیابد. کشورهایی که براساس معیارها و موازین غربی غیردموکراتیک دانسته می‌شوند، اما توانسته‌اند در رقابت اقتصادی جهانی شدن بی‌آن‌که به غرب میل کنند، موفق باشند. وی تصریح داشت، لیبرالیسم غربی مترادف با انحطاط و نزول است (Camus and Lebourg, 2017: 227). همانند همه جریان‌هایی از این دست که خواهان تعریف موجودیت سیاسی و فرهنگی و نیز هویتی فراتر از موقعیت موجودند، رگه‌هایی از آرمان‌گرایی و بلکه اتوپیاگرایی در نزد راست افراطی مجارستان دیده می‌شود و از این رو این جریان گاه در بیان منویات خود بازگشت به مجارستان بزرگ قبل از معاهده تریانون^۱ در سال ۱۹۲۰ را مطرح کرده است. محدوده مذکور بخش‌هایی از اتریش، رومانی، اسلواکی، کرواسی، صربستان، و اوکراین کنونی را شامل می‌شود (ibid: 245). براساس مبحث امنیتی شدن در مکتب کپنهاگ باید گفت که راست جدید در مجارستان، همانند برخی از انواع مشابه آن، نه فقط موقعیت کنونی را به شکل خاصی تصویر می‌کند، بلکه مهم‌تراز آن سودای احیای نوعی از امپراتوری با بازگشت به وضعیت قبل از سامان سیاسی و ستفالیایی در آن مشهود است. بنابراین کنار احساسات ضد مهاجرت و مواضع ستیزه‌جویانه در مورد طیف‌هایی خاص، بروز ملی‌گرایی افراطی (Chauvinism) و حتی مباحثات به پیشینه فاشیستی مجارستان و نیز ظهور گرایش‌های ضدسامی^۲ جزو ویژگی‌های راست افراطی در مجارستان بوده است که از دوره فروپاشی شوروی سابق و سقوط کمونیسم در بلوک شرق رخ نمایانده و در زمان حاضر به شکل جدیدی ظاهر شده است (Virchow, 2013: 209).

دگرسازی هویتی نزد راست افراطی و بسط آن اغلب زمینه‌ساز مواجهه خشونت‌آمیز بوده و حتی عدم تساهل و مدارا را فراهم آورده است و در زمان‌هایی که دیگری مورد نظر ایشان اقدام خصومت‌آمیزی انجام داده باشد، همانند برهه حملات ۱۱ سپتامبر یا بروز خطر داعش

^۱ پیمان تریانون (Trianon Treaty) پیمان صلح بین قدرت‌های متفق و پادشاهی مجارستان بود که پس از پایان جنگ جهانی اول، در بیستم جون سال ۱۹۲۰، در کاخی به همین نام در مجموعه کاخ‌های ورسای در پاریس امضا شد. این پیمان شرایط کشور مستقل مجارستان و مرزهای آن پس از جنگ را تعیین کرد.

^۲ ضد سامی (Anti-Semitism) به ستیزه‌جویی با یهودیان و نگاه منفی و کینه‌جویانه هم‌راه با پیش‌داوری درباره آن‌چه یهودی است گفته می‌شود.

مشروعیت یافته است و حتی زمینه‌ساز هم‌دلی و همراهی جریان‌های دیگر را فراهم می‌آورد، به طوری که به نظر می‌رسد وقوع رخدادهایی از این دست مشروعیت راست افراطی را فزونی بخشیده و حتی به ترویج و اشاعهٔ باورهای آن بین اقشار بیش‌تری انجامیده است.

تبلیغات انتخاباتی و موفقیت حزب جویک

حزب جویک سال ۲۰۰۳، با ایدئولوژی ملی‌گرایی افراطی، تأسیس شد و سال ۲۰۰۶، در جریان اعتراض‌های مردمی علیه دولت سوسیالیست، قدرت گرفت. همان سال گابور ونا سازمان پارلمانی «محافظان مجار» را تأسیس کرد که موجب شد او و حزیبش را افراطی بدانند (Thorpe, 2016). این حزب در انتخابات مجلس سال ۲۰۰۶ فقط ۲/۲ درصد آرا را به دست آورد. بعد از آن، در جریان انتخابات پارلمان اروپا به سال ۲۰۰۹ آرای ۱۴/۷۷ درصد را به دست آورد. در انتخابات مجلس ملی در سال ۲۰۱۰ نیز ۱۶/۶۷ درصد و در انتخابات ۲۰۱۴، ۲۰ درصد رأی آورد. از علل موفقیت این حزب آن‌که رأی‌دهندگان به دنبال حزب راست‌ایدئال بوده‌اند. در نتیجه، تعصب و دشمنی با ارزش‌های سیستم حاکم و ترس از آینده سبب شده که این حزب موقعیت مناسبی داشته باشد و البته بحران اقتصادی جهانی نیز به تشدید این وضعیت کمک کرد (Biro Nagy, et al. 2012: 1). در توضیح این مکتب براساس توجه به مؤلفه‌های مطرح‌شده در مکتب کپنهاگ باید بدین نکته اشاره کرد که فارغ از اهمیت و ابعاد یک مسئله، تصویر برساخته از آن به‌مثابهٔ موضوعی امنیتی است که نقش تعیین‌کننده‌ای به خود اختصاص می‌دهد و موفقیت راست‌گراها در القای چنین تصویری به جامعه موقعیت آن‌ها را تثبیت می‌کند و ضامن موفقیت‌های سیاسی‌شان می‌شود.

سیاست ریاضت اقتصادی دولت و درعین حال عدم پاسخ‌گویی آن سبب شد تا رأی‌دهندگان با تمایل به حزب راست افراطی سخت‌ترین ضربه را به دولت بزنند. جویک با محکوم‌کردن این‌که سیاست‌های دولت ملی در جهت خدمت به منافع بین‌المللی است و با رویکرد ناسیونالیستی و محکوم‌کردن نخبگان سیاسی به دنبال حفاظت از ارزش‌ها و منافع ملی است، توانست نظر عمومی را جلب کند. این حزب به دنبال سیستم مالیات مترقی بود که افراد با درآمد متوسط را با پرداخت مالیات کم‌تر حمایت کند. سیستم حقوق بازنشستگی از شعارهای دیگر این حزب بود. این حزب به‌طور صریح اعلام می‌کند که سرمایه‌های خارجی و شرکت‌های چندملیتی در مجارستان و عضویت در اتحادیهٔ اروپا سبب شده است که سرمایهٔ این کشور و تولید و رشد اقتصادی آن روند منفی داشته باشد. برانگیختن حس تعصب و

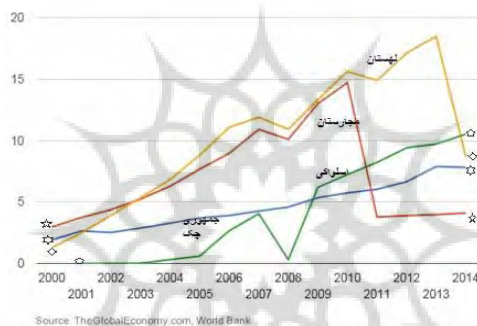
احساسات سبب شده است تا ۳۰ درصد آرای این حزب از افراد زیر سی سال باشد. محبوبیت این حزب در شهرهای کوچک و زیر پنج هزار نفر بیش تر است. بخشی از موفقیت این حزب ناشی از رأی دادن افرادی است که پیش از این به سوسیالیست‌ها رأی می‌دادند (همان: ۵-۱۱). افزون‌بر جلب رأی کسانی که از موقعیت اقتصادی خود ناراضی بوده‌اند، جوییک بخشی از موفقیت خود را مدیون حمایت کسانی است که از موقعیت و شأن اجتماعی و منزلت خود رضایت نداشته‌اند و زنان از جمله آن‌ها (Felix, 2017: 95). بخشی از این گرایش بدان سبب است که راست افراطی در مواجهه با مشکلات پیش‌روی جامعه خویش تقصیر را متوجه مهاجرانی می‌داند که فرصت‌های مناسب اشتغال را از اهالی بومی کشور میزبان سلب کرده‌اند. در همین راستاست که حزب جوییک به زنان، به دلیل نقش مهمشان در فرزندآوری برای تأمین نیروی کار بومی، اهمیت والایی می‌دهد (Rippeyoung, 2007: 381-382).

جذب آرای طبقات پایین اجتماعی اعم از حاشیه‌نشینان، روستایی‌ها، و کارگران از ویژگی‌های کمابیش مشترک راست افراطی در کشورهای گوناگون بوده است. حزب جوییک نیز ضمن داشتن چنین موضعی درعین حال با شعار دفاع از ارزش‌ها و منافع مجارها به موفقیت رسید (BBC, 2012). در سال ۲۰۱۲ مارتون گیونگیوسی (Marton Gyongyosi)، نماینده مجلس مجارستان و عضو ارشد حزب جوییک، در همایش علیه صهیونیسم گفت که باید فهرستی از یهودیان را تهیه کرد، زیرا ممکن است این افراد تهدیدی برای امنیت ملی کشور باشند. هم چنین گفت که باید بررسی شود چه تعداد از سیاست‌مداران مجار اصل و نسب یهودی دارند (BBC, 2013).

شنبه ۴ می ۲۰۱۶، شهر بوداپست مجارستان در آستانه برگزاری چهاردهمین کنفرانس جهانی یهودیان شاهد تظاهرات هزار نفری در اعتراض به این برنامه بود؛ زیرا احزاب مخالف دولت مجارستان از جمله حزب جوییک با این موضوع موافق نبودند و اعتراض خود به برگزاری این کنفرانس را با برپایی تظاهرات اعلام کردند. گابور ونا، رئیس حزب جوییک، در این باره گفت که مقامات اسرائیلی، سرمایه‌گذاران، و دیگر مقامات یهود و اسرائیل بهتر است برای برگزاری کنفرانس خود به سراغ کشوری دیگر در نقطه دیگری از جهان بروند، چون مجارستان فروشی نیست. وی با اشاره به شیمون پرز، که گفته بود به‌غیر از عملیات نظامی برای استیلا و پیروزی اسرائیل لازم است که از ابزار اقتصادی استفاده کنیم و اسرائیل در مجارستان سرمایه‌گذاری درخور توجهی خواهد کرد، افزود از آن زمان به بعد ما شاهد سرازیر شدن سرمایه‌های فراوان از سوی اسرائیل به کشورمان شدیم و حزب ما صرفاً تلاش کرد بفهمد

چه چیز مخفی در پس پرده این سرمایه‌گذاری‌ها وجود دارد، اما جامعه یهودیان ما را «نازی» نامیده و حتی از صحبت کردن با ما و شنیدن نظرهای ما ابا کرده است (RT, 2013).

حزب جویبک، پس از راه‌یابی به کنگره مجارستان در سال ۲۰۱۰، در موقعیت اقتصادی وخیم این کشور به تیر اول عناوین مطبوعات و سایر رسانه‌های اروپایی تبدیل شد. به نظر می‌رسد که موقعیت حزب جویبک پس از انتخابات عمومی سال ۲۰۱۴ میلادی قوی‌تر شده است. از دیگر مسائل درخور توجه درباره مسائل اقتصادی این‌که در بین ۳۴ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مجارستان چهارمین کشوری است که بیش‌ترین مالیات‌ها و پس‌اندازهای تأمین اجتماعی را برای کارمندان در نظر می‌گیرد (Euronews, 2016).

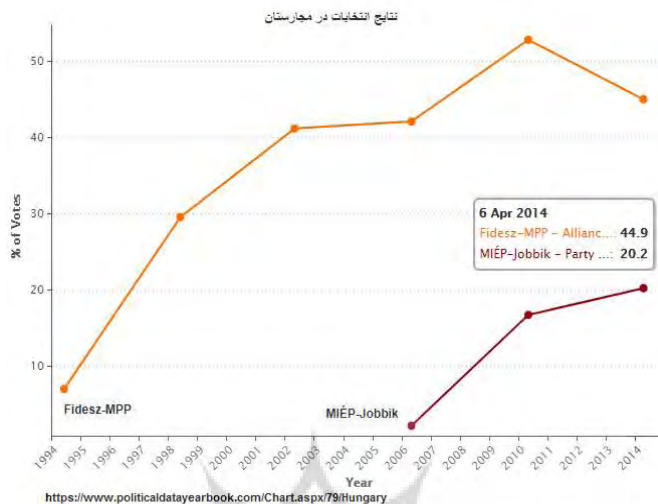


نمودار ۲. دارایی صندوق بازنشستگی به منزله درصدی از تولید ناخالص داخلی مجارستان

در نمودار ۲ میزان دارایی صندوق بازنشستگی به منزله درصدی از تولید ناخالص داخلی مجارستان آورده شده است.

نمودار ۲ نشان‌دهنده کاهش دارایی مجارستان در ۲۰۱۰ است. بنابراین می‌توان این انتظار را داشت که مسائل اقتصادی و نارضایتی از سیستم سبب شود که حزب راست‌گرایی چون جویبک، که وضعیت اقتصادی را سرزنش می‌کند، با افزایش اقبال عمومی در انتخابات روبه‌رو شود. در ادامه نمودار موفقیت در انتخابات آمده است.

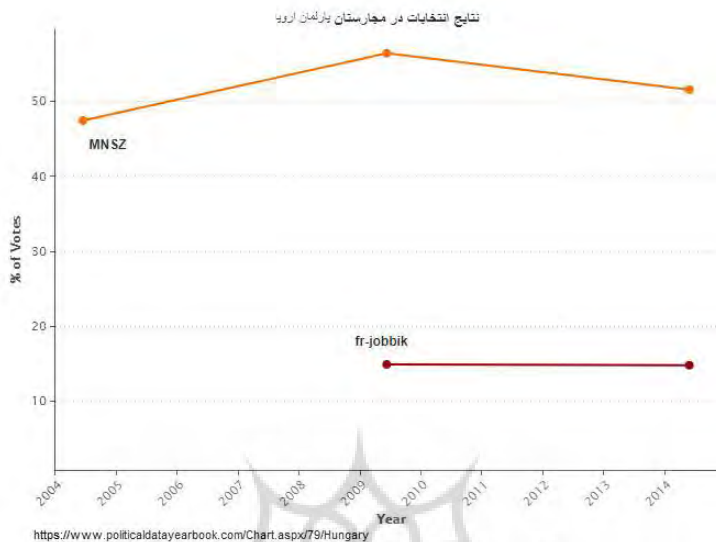
رابطه بحران اقتصادی و رشد حرکت‌های راست افراطی: ... (رضا نصیری حامد و احسان جعفری فر) ۲۵۹



نمودار ۳. نمودار موفقیت حزب جویبک در انتخابات مجلس ملی مجارستان

در انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۶ حزب جویبک توانست ۲/۲ درصد آرا را به دست آورد و در انتخابات مجلس اروپا در سال ۲۰۰۹ توانست ۱۴/۷۷ درصد آرا را به دست آورد. بعد از انتخابات مجلس ملی در سال ۲۰۱۰ با ۱۶/۶۷ درصد موفق شد در ۶ آوریل ۲۰۱۴ به ۵۴/۲۰ درصد آرا برسد که از رشد ۸۷/۳ درصدی این حزب در مقایسه با سال ۲۰۱۰ نشان دارد. این آمارها نشان‌دهنده توفیق این حزب طی این سال‌ها برای جذب آرا و تأثیر شعارهای انتخاباتی آن بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۴. نمودار موفقیت حزب جویبک در انتخابات پارلمان اروپا

نتیجه‌گیری

معمولاً در ادبیات سیاسی متداول و مرسوم جریان راست طرفدار حفظ وضع موجود دانسته شده و از این نظر در مقابل جریان چپ، که درصدد ایجاد تغییراتی در وضعیت فعلی است، ارزیابی می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد موقعیت و اقتضائات سیاسی، اقتصادی، و حتی فرهنگی دوران اخیر شکل دیگری از این صفت‌بندی را نمایان کرده است. ظهور و تقویت جریان راست افراطی نمونه‌ای از این قضیه است. در واقع به نظر می‌رسد به موازاتی که طی دوران اخیر و به‌ویژه طی دهه‌های اخیر جریان چپ از نگرش رادیکال در خصوص تغییرات اجتماعی و سیاسی فاصله گرفته و به اقداماتی اصلاحی با فعالیت‌های پارلمانی و مسالمت‌آمیز روی آورده است، بخشی از جریان راست سودای ایجاد تغییراتی بنیادین در الگوی متداول و نهادینه‌شده در عرصه سیاسی را در سر می‌پروراند. تحلیل ماهیت این جریان از جمله در مورد حزب جویبک در مجارستان نشان‌دهنده آن است که هرچند وجود بحران اقتصادی ۲۰۰۸ سبب‌ساز روی کار آمدن این جریان و تقویت موضع آن در انتخابات بعدی شد، اما خاستگاه فکری و فرهنگی این جریان امری عمیق‌تر از وقوع بحران در اقتصاد است یا حداقل می‌توان گفت بازنمایی این بحران در اقتصاد و علل و

زمینه‌های شکل‌گیری آن از سوی این جریان و به‌ویژه تحلیل دربارهٔ مسببان آن و نیز ارائه راه‌کار درمورد راه‌های احتمالی برون‌رفت از این بحران به‌گونهٔ خاصی از سوی این جریان صورت‌بندی شده است. فارغ از قضاوت ارزشی و بی‌آن‌که از موضع طرف‌داران حفظ وضع موجود وضعیت فعلی را بهترین گزینهٔ ممکن برشماریم، باید اذعان کرد که سیاست کلی این جریان با روند هم‌گرایی منطقه‌ای و جهانی در تعارض است. درواقع ظهور راست افراطی و نیز واگرایی‌های دیگری هم‌چون لزوم اتخاذ موضعی مستقل از اتحادیهٔ اروپا، که نمود بارزش در خروج انگلستان از اتحادیهٔ اروپا (۲۰۱۹) قابل مشاهده است، نشان‌دهندهٔ بحران در بخشی از سازوکارهای نهادهایی است که الگویی واحد و یک‌سان را برای همگان تجویز می‌کنند و از موقعیت ویژه و مخصوصاً موارد آسیب‌پذیر کشورهای گوناگون غفلت می‌کنند. دستاورد و بهرهٔ مهمی که از بررسی شرایط تکوین و تقویت جریان‌هایی همانند جویبک برمی‌آید، نشان‌دهندهٔ آن است که خطر بازگشت حاکمیت‌های تمامیت‌خواه و فاشیستی هیچ‌گاه دور از ذهن نیست؛ چه آن‌ها هم‌چون حزب جویبک به‌وام‌داربودن خویش به چنین عقبهٔ فکری اذعان کنند و چه در کتمان آن سعی داشته باشند. به‌هرحال، زمانی که ارزش‌های عام و جهان‌شمولی هم‌چون رعایت حقوق بشر (از جمله درمورد مهاجران) و به‌تبع آن دموکراسی با مقتضیات ناشی از فشارها و تنگناهای اقتصادی و رفاهی در تضاد باشد، امکان اولویت‌یافتن خواسته‌های معیشتی و اقتصادی و قدرت‌یابی گروه‌هایی که این دسته از نیازها را سرلوحهٔ خود قرار داده‌اند، فزونی می‌گیرد. وقوع بحران‌های مختلف اقتصادی و تبعات آن ازجمله در قدرت‌یابی جریان‌های راست افراطی مؤیدی بر این امر است. به‌واقع زمانی که کارایی و توان‌مندی نظام‌های سیاسی و روندهای هم‌گرا زیر سؤال رود، امکان تشدید و تقویت آن دسته از بنیان‌های هویتی و فرهنگی، که بر واگرایی عوامل و بازیگران سیاسی مختلف ناظر است، مجال ظهور و نمود پیدا می‌کند. شواهد نشان می‌دهد همهٔ سهم در شکل‌گیری و تقویت احزاب دست راستی از قبیل جویبک را نباید به عوامل خارجی هم‌چون بحران اقتصادی منطقه‌ای، جهانی، و یا مهاجرت نسبت داد. به‌نظر می‌رسد این عوامل درحکم کاتالیزور و متغیرهای زمینه‌ای اند که بر بسترهای از قبل موجودی همانند تعریف هویت فرهنگی و سیاسی و نیز تعیین مدل بهینه و مطلوب اقتصادی و توسعه به‌ویژه در دوران پساکمونیسم عمل می‌کنند. نکتهٔ درخور تأمل دربارهٔ وضعیت احزابی هم‌چون جویبک آن‌که ایشان براساس استفاده از شیوه‌های امنیتی‌سازی سعی دارند تا مسائلی را طرح کنند که می‌تواند مورد استقبال عمومی واقع شود و بنابراین مشاهده می‌شود آن‌ها، ضمن مخالفت با تنوع و تکثر

ناشی از حضور افراد از ملیت‌ها و اقوام و یا ادیان مختلف در ترکیب جمعیتی کشور خود و حتی قاره اروپا و به تبع دفاع از نوعی خلوص و وحدت فرهنگی و ملی در سطح قاره اروپا، از وحدت درپیش گرفته‌شده سر باز زده‌اند و به داشتن حوزه اختیارات وسیع‌تر و قدرت مانور بیش‌تری مایل‌اند.

سپاسگزاری

بدینوسیله از مسئولان و دست‌اندرکاران علمی و اجرایی و نیز داوران محترم نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل دانشگاه رازی در دریافت، پذیرش، ارزیابی و انتشار مقاله سپاسگزاریم.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصل‌نامه سیاست خارجی، س ۲۱، ش ۲.
- اکبری کریم‌آبادی، نورالدین (۱۳۹۳)، «نقش اسلام‌هراسی در افزایش گرایش به اسلام در اروپا و آمریکا»، پژوهش‌های منطقه‌ای، دوره جدید، ش ۵.
- بوزان، باری، الی ویور، و پاپ دووید (۱۳۹۲)، چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راه‌بردی.
- جعفری‌فر، احسان و محمدرضا مجیدی (۱۳۹۷)، «بحران امنیتی در غرب آسیا و قدرت‌یابی احزاب راست افراطی اروپایی»، فصل‌نامه مطالعات آسیای جنوب غربی، س ۱، ش ۳.
- کولایی، الهه و ولی کوزه‌گر کالچی (۱۳۹۸)، «دلایل و زمینه‌های غیرامنیتی‌سازی در آسیای مرکزی»، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۱۰۶.
- میرفخرایی، سیدحسین (۱۳۹۴)، «اتحادیه اروپا و بحران مالی: روندها و چشم‌انداز»، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۳۱.

References

- Akbari Karimabadi, Noureddine (1393), "The Role of Islamophobia in Increasing the Tendency to Islam in Europe and America", *Regional Studies*, New Volume, no. 5.
- BBC. (2012, NOV 27), "Hungarian Member of Parliament: A List of the Country's Jews Should be Prepared", Retrieved from:
https://www.bbc.com/persian/world/2012/11/121127_an_hungary_anti_semitic.shtml;

- BBC. (2013, may 04), "Right-Wing Demonstrations in Hungary against the World Jewish Congress", Retrieved from:
<https://www.bbc.com/persian/world/2013/05/130504_an_hungary_anti_zionist_demo>
- BBC. (2015, 09 15), "Refugees Continue to Enter Greece", Retrieved from:
<https://www.bbc.com/persian/world/2015/09/150925_103_refugees_greece_hungary>
- Bjorgo, T. (1993), "Terrorist Violence Against Immigrants and Refugees in Scandinavia: Patterns and Motives", *Racist Violence in Europe*, T. Bjorgo and R. Witte (eds.), Basingstoke: St Martin's Press.
- Bíró Nagy, Andrásy, Tamas Boros, and Áron Varga (2012), "Right-Wing Extremism in Hungary", *International Policy Analysis Andras*, Available at: <https://library.fes.de/pdf-files/id-moe/09566.pdf>.
- Buzan, Barry and Lene Hansen (2009), *The Evolution of International Security Studies*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Buzan, Barry, Ole Weaver, and Jaap de Wild (1992), *A New Framework for Security Analysis*, Translated by Alireza Tayeb, Second Edition, Tehran, Research Institute of Strategic Studies
- Camus, Jean-Yves and Nicolas Lebourg (2017), *Far-Right Politics in Europe*, Jane Marie Todd (trans.), Cambridge: The Belknap Press of Harvard University Press.
- Ebrahimi, Nabiullah (1386), "A Reflection on the Principles and Culture of the Copenhagen School", *Foreign Policy Quarterly*, Year 21, Issue 2, Summer.
- Euronews (2016 a, 10 21), "Hungarian Economy Minister's Plan to Reduce Social Security Savings by Employees", Retrieved from:
<https://farsi.euronews.com/2016/10/21/hungary-promises-payroll-tax-cuts-amid-labour-shortage>
- Euronews (2016 b, 07 21), "Hungary is the most Xenophobic Country in Europe", Retrieved from:<<https://farsi.euronews.com/2016/07/21/hungary-xenophobia-and-feeding-the-fears-of-terrorism>>
- Felix, Aniko (2017), "Toward an Alternative Emancipation? The New Way(s) of Women, Mobilization in the Hungarian Radical Right Subculture", in: *Gender and far Right Politics in Europe*, Michaela Kottig, Renate Bitzan and Andrea Peto (eds.), Palgrave Macmillan.
- Grim Feinberg, J. (2016, 04 07), "Retrieved from Die Verteidiger Europas", Available at: <<https://monde-diplomatique.de/artikel/!5291147>>.
- Groenewold, W. G. F., J. A. A. De Beer, and H. A. G. de Valk (December 2016), "Prospects of Labour Migration Pressure in Algeria, Morocco, Tunisia and Turkey", *Genus*, vol. 72, no. 1, 8; Available at: <<https://www.doi.org/10.1186/s41118-016-0015-x>>.
- Humanrightsfirst. (2015, July 13), "Retrieved from The Jobbik Party in Hungary: History and Background", Available at: <<https://www.humanrightsfirst.org/resource/jobbik-party-hungary-history-and-background>>.
- Jafari Far, Ehsan and Mohammad Reza Majidi (1397), "Security Crisis in West Asia and the Growing Power of European Far-Right Parties", *Quarterly Journal of South-West Asian Studies*, Fall, Issue 3, First Year.

- Koulaei, Elaheh and Vali Koozegar Kalji (1398), "Reasons and Grounds for Insecurity in Central Asia", *Central Asia and Caucasus Studies*, no. 106, Summer.
- Laruelle, Marlene (2008), *Russian Eurasianism: An Ideology of Empire*, Mischa Gabowitsch (trans.), Washington D.C.: Woodrow Wilson Center Press.
- Lowy, Michael (2014), "Ten Theses on the Far Right in Europe", Retrieved from: <<https://www.versobooks.com/blogs/1683-ten-theses-on-the-far-right-in-europe-by-michael-lowy>>.
- Mirfakhraei, Seyed Hassan (2015), "The European Union and the Financial Crisis: Trends and Perspectives", *Political Science Quarterly*, no. 31.
- Mudde, Cas (2000), *The Ideology of the Extreme Right*, Manchester: Manchester University Press.
- PEW. (2016, December 06), "Retrieved from Few in Europe Say Growing Diversity Makes their Country a Better Place to Live": <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2016/12/06/4-factors-driving-anti-establishment-sentiment-in-europe/ft_16-12-06_europeconcerns_diversity/>.
- PEW. (2016, September 16), "Retrieved from European Opinions of the Refugee Crisis in 5 Charts": <<https://www.pewresearch.org/fact-tank/2016/09/16/european-opinions-of-the-refugee-crisis-in-5-charts/>>.
- Politicaldatayearbook. (2020, 04 17), Retrieved from: <<https://www.politicaldatayearbook.com/Chart.aspx/79/Hungary>>.
- Rippeyoung, Phyllis L.F. (2007), "When Women are Right: the Influence of Gender, Work and Values on European Far-Right Party Support", *International Feminist Journal of Politics*, vol. 9, no. 3.
- RT. (2013, Oct 01), "Retrieved from 'Protesting Israel's Aggressive Policies': Far-Right Party Promotes Anti-Semitic Mood in Hungary": <<https://www.rt.com/news/hungary-anti-semitism-jobbik-592>>.
- Shekhovtsov, A. (2014, April 12), "Retrieved from Fascist Vultures of the Hungarian Jobbik and the Russian Connection", <<https://anton-shekhovtsov.blogspot.com/2014/04/fascist-vultures-of-hungarian-jobbik.html>>.
- Szombati, Kristof (2018), *Victor Orban, Authoritarian Regim, in: The far Right in Government: Six Cases from Across Europe*, New York: Rosa Luxemburg Stitung.
- Thorpe, N. (2016, Nov 17), "Is Hungary's Jobbik Party Really Back from the Extreme Right?" Retrieved from: <<https://www.bbc.com/persian/world-38014772>>;
- Virchow, Fabian (2013), *Creating a European (Neo-Nazi) Movement by Joint Political Action? In: Varieties of Right-Wing Extremism in Europe*, Rea Mammon, Emmanuel Godin and Brian Jenkins (eds.), London: Routledge.